

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هفتم، شماره سیزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

«بررسی برجستگی‌های لفظی و ساختاری شعر دفاع مقدس استان

کرمان» (علمی-پژوهشی)

دکتر محمد صادق بصیری^۱

دکتر غلامرضا کافی^۲

فاطمه رعیت نژاد^۳

چکیده

انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی به عنوان یک پدیده اجتماعی، توجه شاعران و نویسندگان را به خود جلب کرد و تحولاتی را در عرصه ادبیات بوجود آورد. ادبیات دفاع مقدس، شرح رشادت‌ها و دلاوری‌های ملت‌ی را در دوران بعد از جنگ تحمیلی به ثبت رسانده است که برای دفاع از کیان و شرافت ملی خود به پا خاستند. شاعران متعهد کرمان همگام با دیگر شاعران کشور با سروده‌های خود، مسئولیت ادبی خود را در برابر هشت سال دفاع مقدس به انجام رسانده‌اند و لذا شناخت ویژگی‌های شعری این شاعران برای ارتقا آنها لازم به نظر می‌رسد. این پژوهش، برجستگی‌های لفظی و ساختاری شعر دفاع مقدس استان کرمان را از جمله؛ تازگی‌های زبان، پیوند واژگان، نوجویی قافیه و ردیف و واژگان خاص، همچنین چگونگی شکل‌های شعری و گرایش‌های سبکی را مورد باز کاوی و نقد و تحلیل قرار داده است.

واژه‌های کلیدی: شعر دفاع مقدس، برجستگی‌های لفظی و ساختاری، استان کرمان.

^۱. استاد بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان.

^۲. دانشیار بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز.

^۳. دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات پایداری: narges.rayat@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۵/۲۲ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۹/۲۹

۱- مقدمه

حادثه جنگ تحمیلی یا دفاع مقدس که پس از رویداد انقلاب اسلامی به وقوع پیوست، به خاطر زمان نسبتاً طولانی و تأثیرات عمیق خود، در تمام لایه‌های زندگی مردم ایران نفوذ کرد و بدین سبب، ادبیات ایران را نیز تحت تأثیر قرار داد. این تأثیر تا جایی بود که گونه-ای خاص از ادبیات به نام ادبیات دفاع مقدس را رقم زد. فراوانی این موضوع و مضمون به عنوان جان‌مایه آثار ادبی، به ویژه شعر معاصر تا حدی است که می‌توان شناسه‌ها و برجستگی‌های آن را حتی در جمع‌های کوچک ادبی و به صورت منطقه‌ای ردیابی کرد؛ یعنی دقیقاً رسالتی که مقاله حاضر بر عهده گرفته است.

به هر روی، بازتاب دفاع مقدس در شعر روزگار ما و شکل‌گیری ادبیات یا شعر دفاع مقدس، اهل نظر را به ارائه تعریفی از این گونه ادبی واداشته است. در یکی از آثار در پیوند با موضوع ادبیات دفاع مقدس می‌خوانیم: «ادبیات دفاع مقدس به مجموعه نوشته‌ها و سروده‌هایی گفته می‌شود که درونمایه و موضوع آنها به مسائل هشت سال دفاع مقدس و پیامدها و طبقات آن باز می‌گردد.» (سنگری، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۷)

انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی به عنوان پدیده‌ای اجتماعی توجّه شاعران و نویسندگان را جلب کرد و جریان‌های ادبی، تحت تأثیر این پدیده به‌وجود آمد و تحولاتی را در عرصه ادبیات به‌وجود آورد. جنگ ایران و عراق به عنوان یکی از رویدادهای مهم تاریخ کشور، بازتاب‌هایی در شعر و نثر داشته است و آثار فراوانی درباره این موضوع پدید آمده است که از آن به عنوان ادبیات دفاع مقدس یاد می‌کنند.

۱-۱- بیان مسئله

همان‌گونه که در مقدمه آمد، فراوانی موضوع دفاع مقدس در شعر، تمام جامعه ادبی ایران را دربرگرفت و شاعران استان کرمان همپای دیگر شاعران کشور با جریان انقلاب و دفاع مقدس همگام شدند و با سرایش شعر، چه در دوران جنگ تحمیلی و چه پس از

بررسی برجستگی‌های لفظی و ساختاری شعر دفاع مقدّس استان کرمان/۳

آن، رسالت خود را به انجام رساندند. پژوهش حاضر بر آن است تا مهم‌ترین برجستگی‌های لفظی و ساختاری شعر دفاع مقدّس استان کرمان را مورد بازکاوی قرار دهد.

۱-۲- پیشینه تحقیق

تاکنون در موضوع و پیوند ادبیات دفاع مقدّس و شعر آن و نقد و تحلیل این آثار، در سطح کشور کتاب‌ها و مقاله‌های متعدّد نگاشته شده؛ اما موضوع ادبیات دفاع مقدّس استان کرمان و شعر آن، چندان مورد توجه واقع نشده است که در پی جست و جوی‌های صورت گرفته، دو مقاله یافت شد:

- عنوان‌شناسی آثار دفاع مقدّس استان کرمان، نسرين فلاح، نامه پایداری (۱۳۹۱). این مقاله با نگرش ساختاری بررسی شده و عوامل مؤثر در انتخاب بیش از صد عنوان کتاب دفاع مقدّس استان کرمان از قبیل اراده نویسنده و ارجاع به موضوع تحلیل شده است.

- اسناد هشت سال دفاع مقدّس استان کرمان، عباسعلی رستمی نسب، نشریه ادبیات پایداری، سال دوم، پاییز ۱۳۸۹ و بهار ۱۳۹۰، شماره ۳ و ۴. این مقاله به بررسی و تدوین اسناد هشت سال دفاع مقدّس کرمان پرداخته است. جامعه آماری، کلیه اسناد مربوط به هشت سال دفاع مقدّس است که از سازمان‌ها، نهادها و افراد مربوط به آن دریافت گردیده است که مطالعه این اسناد معتبر و نزدیک به زمان وقوع رخدادها، می‌تواند فضاسازی مناسبی برای نویسندگان آثار ادبی و تاریخی ایجاد کند.

اما بررسی شعر دفاع مقدّس استان کرمان و شناخت ویژگی‌های آن، موضوعی است که تاکنون مورد توجه واقع نشده است.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

ما در این پژوهش برآنیم تا با بررسی برجستگی‌های لفظی و ساختاری شعر دفاع مقدّس استان کرمان، زمینه شناخت، ویژگی‌ها و ارتقای شعر دفاع مقدّس استان کرمان را در سطح کشور فراهم کنیم تا رهگشای منتقدان و سخن‌سنجان گردد.

۲- بحث

۲-۱- برجستگی های لفظی و ساختاری

منظور از برجستگی های لفظی و ساختاری، تمام فرانمودهای شکلی یک اثر ادبی نظیر شعر است و اهمیت این موضوع در مقاله حاضر از آن جهت است که معمولاً ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را ادبیاتی معناگرا می دانند و ویژگی های لفظی و ساختاری آن کمتر مورد توجه بوده است؛ البته شک نیست که ادبیات انقلاب اسلامی، جنبه معناگرایی بیشتری دارد؛ اما درنگ در آثار هم گروه، نظیر شعر کرمان در این مقاله، ویژگی ها و برجستگی های لفظی و ساختاری گونه گونی را به دست می دهد که به راحتی برای شعر در حوزه کلی کشور نیز قابل تقسیم است. درنگ در گونه گونه زبانی شعر دفاع مقدس و ردیابی مدخل های تازه آن و چگونگی پیوند قالب ها و هیكل های شعری، با موضوع دفاع مقدس از مهم ترین چالش های این مقاله به حساب می آید. بدیهی است برای تحلیل این پژوهش و درج شواهد شعری از آثار شاعران نامور دفاع مقدس کرمان، نیز مجموعه شعرها و جنگ های در پیوند با این موضوع سود برده ایم که از این میان می توان به جمع نامه هایی نظیر؛ ثانیه صفر (اسدی، ۱۳۸۸)، نوای دل (اسدی، ۱۳۹۱)، صهبای شهیدان (بنیاد حفظ آثار، ۱۳۸۴) و مجموعه آثار منتشر شده شاعران، نیز چهره هایی نظیر؛ محمود شاهرخی، طاهره صفارزاده، احمد اسداللهی، شاعران شهید حسین ارسلان و ماشاالله صفاری، طهماسب بدرود، سیدعلی میر افضلی، محمد علی جوشایی، علیجان سلیمانی و محمد مجتبی احمدی و ... اشاره کرد.

۲-۱-۱- ویژگی های زبانی

از آنجا که انقلاب و جنگ دو پدیده تازه بودند، تازگی زبان در آن طبیعی بود. انقلاب با ماهیت اسلامی و دیدگاه های تعلیمی خود، سبب شد تا واژگان و اصطلاحات بدیعی در آثار نوشتاری سر بر آورند. جنگ نیز که ماهیتی خاص داشت، همراه با انگیزش های حسی و عاطفی، اصطلاحات و واژگان خاص خود را وارد حوزه شعر نمود.

بررسی برجستگی‌های لفظی و ساختاری شعر دفاع مقدّس استان کرمان/ ۵

غلامرضا کافی تازگی زبان را مفهومی انتزاعی می‌داند که «در بافت کلام رخ می‌نماید و در واقع دریافت مدلولی یک ادیب یا شاعر است؛ اما با درنگ در بسامد واژگان، پیوند واژگان با یکدیگر، چگونگی ردیف شعرها و سابقه حضور اصطلاحات و واژگان و نیز تصرف‌هایی که در آنها صورت گرفته‌است، می‌توان این مفهوم انتزاعی را به بند حسّ کشید و آن را عینی کرد.» (کافی، ۱۳۸۹: ۱۳)

بنابراین، زبان، جلوه‌هایی چون واژگان ویژه، پیوند واژگان و نوجویی‌های قافیه و ردیف دارد که در شعر شاعران دفاع مقدّس استان کرمان نیز قابل ردیابی است:

الف) واژگان ویژه

هر موضوع و محتوایی واژه‌های مخصوص به خود را دارد. ما در ادبیات از طریق واژه‌ها و زبان مخصوص هر دوره، به سبک‌های متفاوت پی می‌بریم، شعر جنگ و دفاع مقدّس نیز واژه‌ها و اصطلاحات مخصوص دارد که شاعر با به کار بردن آنها رنگ و بوی شعر را به سمت جنگ و دفاع مقدّس پیش می‌برد و سبک خود را مشخص می‌کند. «زبان شعر جنگ و دفاع مقدّس که زیر مجموعه ادبیات انقلاب اسلامی قرار می‌گیرد، برای خود افق‌های تازه‌ای دارد که ادبیات انقلاب را پرورده‌تر و برومندتر می‌سازد. حوزه زبان شعر دفاع مقدّس، عناصر انقلابی، مذهبی، تاریخی و اساطیری را از گنجینه انقلاب بر می‌دارد؛ ولی اسامی خاص، مکان، زبان، اشخاص و عملیات نظامی را به همراه واژگان جنگ قدیم از خود دارد و مجموعه این عناصر به اتفاق تعابیر و اصطلاحات ویژه جنگ و دفاع مقدّس زبان شعر را تشکیل می‌دهند.» (کافی، ۱۳۸۹: ۱۴)

سهم شاعران کرمان نیز در تشکیل دادن این زبان قابل توجه بوده است؛ شاعران نسل اوّل در الفاظ و اصطلاحات جنگ، عناصر مذهبی، انقلابی و نمادهای اساطیری و تاریخی خود را نشان داده‌اند و شاعران نسل دوم، نام مکان‌ها و زمان‌های جنگ، اسم اشخاص و تصاویر جنگ را در شعر خود جای داده‌اند. اما نسل سوم، عواطف پس از جنگ و واژگان و اصطلاحات مربوط به این دوره و تفکر را در جان شعر ریخته‌اند و همین به کار بردن هر

۶ / نشریه ادبیات پایداری

واژه‌ی مربوط به زمان خود، بر صداقت کلام و شعر افزوده است. تازگی زبان شعر دفاع مقدّس مدخل‌های برجسته‌ای در شعر کرمان دارد که بدین قرار است:

الف/۱. جغرافیای جنگ

جنگ ایران و عراق همچنان که زمان زیادی را به خود اختصاص داد، جغرافیای پهناوری را نیز در بر داشت؛ بنابراین، واژگان زیادی از این مدخل به حوزه شعر راه یافت؛ در شعر طهماسب بدرود تعدادی از این مکان‌ها را در می‌یابیم:

به هویزه، به شلمچه، به تبور و به جفیر	به ملک‌شاهی و چنگوله و مهران سوگند
به طلایه و شهرانی و مجنون و به هور	به شهیدان به خون خفته بستان سوگند
به رقابیه، به دهلاویه و سوسنگرد	به دلیران و به جزابه و چمران سوگند

(اسدی، ۱۳۸۸: ۳۶)

الف/۲. نام عملیات‌ها

حوزه دیگر از واژگان شعر دفاع مقدّس، نام عملیات‌هاست که واژگانی نظیر؛ «والفجر، بدر، خیبر، بیت المقدّس، فتح المبین و ...» را به دل شعر کشاند. حسنیه سادات تهامی گوید:

به آن کوله‌بار پر از اشتیاق	به آه جگرسوز درد فراق
به «فتح‌المبینی» که مشهور شد	به تیری که دشمن از آن کور شد
به «بیت‌المقدّس» به «خیبر» قسم	به «والفجریان» دلاور قسم
به «بدر» و به «مرصاد» و «فتح‌المبین»	به آن شیرمردان فجرآفرین

(اسدی، ۱۳۹۱: ۲۷-۲۶)

الف/۳. واژگان و اصطلاحات نظامی

یکی از مدخل‌های واژگان شعر دفاع مقدّس، واژگان و اصطلاحات نظامی است که در شعر دوره جنگ بیشتر نمود دارد و در شعر شاعران نسل اوّل و دوم، نمونه‌هایی از آن را می‌توان یافت. جز مضمون‌های جدید و بازخوانی کلمات که در شعر نسل سومی‌ها هم می‌توان نمونه‌هایی از آن را دید؛ زین‌العابدین ملایی سروده است:

بررسی برجستگی‌های لفظی و ساختاری شعر دفاع مقدّس استان کرمان/۷

ما نمی‌دانیم «مین والمر» چیست؟ / «اژدر بنگال» را هم نمی‌شناسیم! / «بشکه‌های فوگا»، / «تله‌های انفجاری»، / «نیزه‌های خورشیدی»، / اینها را هم نمی‌شناسیم! (اسدی، ۱۳۸۸: ۱۴۸)

الف/۴. لحن حماسی در پرتو واژگان جنگ قدیم

لحن حماسی، به همراه استفاده از واژه‌های جنگ قدیم نظیر «تیغ، شمشیر، نیزه، حمایل، رکاب، زره، جوشن، وغا، هژبر، شیراوژن، ناوک» و همچنین لحن تپنده و شورانگیز از شگردهای شاعران دفاع مقدّس است؛ در شعر استاد شاهرخی این لحن پیداست:

آفرین بر این سلحشوران شیراوژن که شد
از نهیب رزمشان سعی بداندیشان هبا

آفرین بر این ظفرمندان که بهر پاس دین
چون هژبر خشمگین کوشند در روز غزا

جَبدا نام‌آورانی کز پی حفظ شرف
می‌روند آسیمه سر در کام توفان بلا

(نوربخش، ۱۳۸۰: ۱۴۸)

-نیز در شعری از غلامرضا کافی:

یکران آتش را مهیا برگ و زین کن
از خیل خوبان یک دو همخو را گزین کن

چارق بیند و چاره کن زاد سفر را
سر را پسر را پشت هم تیغ و سپر را

یک جفت چشم شسته در خون پای چالاک
تیر و تبر تیغ و سنان آویز فتراک

(خبر، ۲۵ مهر، ۱۳۸۷)

ب) ترکیب‌سازی

از شگردهای شعری شاعران، پیوند و ترکیب کلمات با یکدیگر و ساختن واژگانی جدید متناسب با حوزه مورد بحث است. شاعر با کنار هم نهادن واژه‌ها و ترکیب واژه‌های مستقل، یک واحد جدید معنادار به وجود می‌آورد. در ادبیات انقلاب و دوره جنگ این ترکیب‌ها عنوان نهضت به خود گرفته و اوج آن به سال‌های اولیّه جنگ مربوط است. «کاربرد اصطلاح نهضت، علی‌رغم اعتقادمان به پیشینه این شگرد، فقط به دلیل فترت طولانی و غیر قابل بخششی است که شاعران از طرز هندی تا برهه معاصر، در کاربرد خوشایند زبانی سبب شده‌اند و البته باید با اندکی تعصّب‌ورزی، این را نیز از خدمات

۸ / نشریه ادبیات پایداری

ادبیات انقلاب دانست یعنی؛ رویکرد به ترکیب‌سازی.» (کافی، ۱۳۸۹: ۶۴) و این نکته در سایر آثار پژوهشی انقلاب، نظیر شعر امروز (باقری، ۱۳۷۲) و ادبیات دفاع مقدس (سنگری، ۱۳۸۹) نیز آمده است.

ترکیب‌هایی که در شعر دفاع مقدس استفاده می‌شود، گاه هر دو پایه آن از ابزارآلات جنگی و واژگان جنگ است، گاه یک پایه ترکیب از عناصر جنگی است. واژگان ترکش، زخم، خون و آتش فراوانی بیشتری نسبت به سایر واژگان در ترکیب‌های شعری دارند که در اینجا به نمونه‌هایی از آن در شعر شاعران کرمان اشاره می‌کنیم:

ب/۱. ترکیب‌هایی که یک پایه آن واژگان خاص جنگی است

خون گریه‌ای دارم اگر غم ناله‌ات هست آتش نفس اندوه چندین ساله‌ات هست
آنان که با هرم نفس خواندند و رفتند صحرای آتش را فرس راندند و رفتند
(کافی، ۱۳۷۸: ۱۳)

ب/۲. ترکیب‌سازی با پایه مکان‌های جبهه

-رضا بخشی:

... و حالا این شلمچه فصل آواز پرستوها / که کارون نگاهم را شبیه نیل می‌کردند
و آن سوتر دوتا از کوزه گرهایی که قلایس اند / فسیل کاسه چشم مرا تحلیل می‌کردند
(اسدی، ۱۳۸۸: ۳۴)

مهدی بهرامی:

خون گرفته دامن اروند رود / زندگی با سلطه دشمن چه سود (همان: ۵۶)
در پایان موضوع نهضت ترکیب‌سازی در شعر شاعران کرمانی، یادآوری این نکته لازم به نظر می‌رسد که این جریان، بیشتر در بین شاعران نسل اول و دوم نمود دارد؛ شاعرانی همچون حسین ارسلان (رخشا)، مهدی بهرامی، غلامرضا کافی، علیجان سلیمانی، احمد اسداللهی، علی حیدری‌زاده، سید محمود توحیدی و ...

بررسی برجستگی‌های لفظی و ساختاری شعر دفاع مقدّس استان کرمان/۹

نهضت ترکیب‌سازی در میان شاعران نسل سوم به دلیل دور شدن از فضای حماسی و بروز عواطف فاصله‌دار با جنگ و ویژگی‌های زبانی، نمود کمتری دارد.

ج) نوجویی‌های ردیف و قافیه

همچنان که مدخل‌های ورود واژگان به ساحت شعر دفاع مقدّس را متعدّد خواندیم، در این میان قافیه‌اندیشی و ردیف‌جویی نیز از سوی شاعران صورت می‌گیرد. واژه‌های تازه در جایگاه ردیف، امکان مضمون‌آفرینی بدیعی را برای شاعران فراهم می‌کند. همچنین واژگان خوش‌تراش از این مدخل‌ها، موسیقی دل‌انگیزی را با کلمات هم‌قافیه خود پدید می‌آورند که نظر شاعر و سپس خوانندگان را جلب می‌کند؛ از این روست که تازگی زبان شعر دفاع مقدّس مقداری نیز مرهون این ویژگی است و شعر کرمان نیز به سهم خود از این کارکرد زبانی سود برده‌است و واژگان خاصی نظیر، شهید، شهادت، جبهه، جنگ، سرخ، ترکش و ... در جایگاه ردیف یا قافیه شعر دفاع مقدّس خوش نشسته‌اند.

ج/۱. ردیف شهید

یکی از کلماتی که با بروز انقلاب و جنگ وارد عرصه شعر دفاع مقدّس شده و به عنوان ردیف در شعر قرار گرفته، واژه شهید بود؛ شاعر شهید ماشاءالله صفاری با این رباعی شهرت یافت:

گل گشته خجل ز عطر خوشبوی شهید هر جا که نظر کنی، بود روی شهید
گر باز کنی تو چشم جان، می‌بینی در پشت سر حسین اردوی شهید

(گلمرادی، ۱۳۸۰: ۴۲۵)

ج/۲. ردیف واژگان سرخ، جبهه، جنگ و ترکش و ...

از کلمات حاضر در حوزه شعر دفاع مقدّس، واژگان مربوط به جنگ، همچون سرخ، جبهه، ترکش و ... به عنوان ردیف شعر قرار گرفته‌اند و حال و هوای جنگ را در خواننده تداعی می‌کنند.

در شعر افسر فاضلی این واژگان نمود ویژه‌ای دارند:

هنوز از وادی آلاله سرخ می‌آید نعلش صدها لاله سرخ

۱۰ / نشریه ادبیات پایداری

بسیجی موقع در جازدن نیست
تو هستی وارث فرهنگ جبهه

زمان گفتگو از ما و من نیست
همان فرهنگ خونین رنگ جبهه

(اسدی، ۱۳۸۸: ۱۱۸)

- علی مرادی زاده کرمانی نیز واژه خوش تراش ترکش را ردیف شعرش قرار داده است؛

خاکریزش غزلی بود هجایش ترکش
آسمان لهجه غمناک نگاهش شده بود

کوله باری پر تسیح، دعایش ترکش
نفسش منظره ای بکر، هوایش ترکش

(اسدی، ۱۳۸۸: ۱۴۱)

ج/۳. ردیف برگرفته از نام ناموران

ارفع السادات توحیدی:

سرنگون کردن بت پیشه «ابراهیمی» است
مذبح عشق مصلائی نماز «حسنی» است

جنگ با بتکده اندیشه ابراهیمی است
قتلگه جایگه راز و نیاز «حسنی» است

(صهباي شهيدان، ۱۳۸۴: ۵۴)

ج/۴. قافیه

یکی از ارکان اصلی شعر، قافیه است که شاعران دفاع مقدس متناسب با ذوق خود و نوجویی، بر تازگی و طراوت شعر افزودند. قافیه نیز همچون ردیف در شعر دفاع مقدس، برگرفته از عناصر جنگی، شخصیت‌ها، ابزار، مکان و زمان‌های جنگ است که گاه هر دو پایه آن از عناصر جنگ و گاه یکی از آن دو است.

برای نمونه می‌توان به کلمه ترکش به عنوان واژه‌ای خاص از جنگ اشاره کرد که در

شعر شاعران کرمان، از جمله طهماسب بدرود و علیجان سلیمانی بازتاب دارد:

ناگهان دیدم زمین آتش گرفت
در نگاهم درد و غم آوار شد

لحظه‌ها را موجی از ترکش گرفت
خواب دیدم کربلای چار شد

(اسدی، ۱۳۸۸: ۴۱-۳۹)

واژه‌هایم بوی ترکش می‌دهند
بوی جنگ و بوی آتش می‌دهند

(صهباي شهيدان، ۱۳۸۴: ۷۸)

بررسی برجستگی‌های لفظی و ساختاری شعر دفاع مقدّس استان کرمان/ ۱۱

از دیگر نوجویی‌ها در عرصه قافیه می‌توان به تعدّد قافیه اشاره کرد، یعنی آوردن ابیات با دو قافیه:

-غلامرضا کافی:

خاطر پر از شعر فخیم ارجوزه پیوند نه چون ملولان گدای پوزه در گند
از نار و نیران رخت تا کی فوطه تا چند در اثم و عصیان چرخ تا کی غوطه تا چند
(کافی، ۱۳۸۹: ۳۶)

طهماسب بدرود: غرق باران منور می‌شدم/محو سرداران بی‌سر می‌شدم (اسدی، ۱۳۸۸: ۳۸)

۲-۲-۲- وضعیت قالب‌ها

حادثه اجتماعی انقلاب اسلامی و دفاع مقدّس در حالی اتفاق افتاد که عمر طرز تازه شعر به پنجاه سال می‌رسید. این طرز تازه که به جریان «شعر نو» معروف شد، پیروانی پیدا کرد، شاعران طرز تازه، شکل سنتی شعر را کنار نهادند و در آغاز مورد بی‌مهری شاعران کهن‌گرا قرار گرفتند؛ ولی کم‌کم ادیبان جامعه آن را پذیرفتند و گروهی به نقد و تحلیل آن اشعار پرداختند. نوگرایان پس از پذیرش از سوی سنت‌گرایان به تبلیغ سبک و سیاق شعری خود پرداختند و قالب‌های سنتی را شعر زمان خود ندانستند و این به دلیل تکرار مضمون و حس و حال عاریتی موجود در قالب‌های سنتی بود.

اما در شعر انقلاب اسلامی و به ویژه شعر دفاع مقدّس، گرایش به جانب قالب‌های سنتی است؛ لاف‌ل این رویکرد در دهه شصت و شعر زمان جنگ غیر قابل انکار است. لزوم زبان مطمئن و لحن حماسی برای سرودن حادثه جنگ ایجاب می‌کرد تا شاعران دفاع مقدّس از قالب‌ها و شکل‌های سنتی سود ببرند و بهتر به مقصود حماسی و رجزخوانی خود برسند. شعر دفاع مقدّس کرمان نیز از این موضوع برکنار نبود و این نکته، یعنی رویکرد به شعر سنتی، احیای برخی قالب‌های کهن را در پی داشت که در شعر کرمان نیز چنین شد.

الف) غزل

غزل یکی از مهم‌ترین قالب‌های شعر فارسی است که از آغاز تا امروز مورد توجه بوده و هیچ دوره‌ای از وجود این قالب پر مخاطب بی‌بهره نبوده است. در شعر دفاع مقدّس،

قلب غزل، کاربردهای فراوانی دارد و از آن برای بیان احساسات درونی خود نسبت به رزمندگان و شهیدان، بیان دلاوری‌ها، اعتراض به فراموشی نام شهدا، تشویق و تحذیر و تنبیه، رسوخ فرهنگ شیعی، یادکرد روزهای گذشته و غم و حسرت استفاده می‌شود؛ همچنین غزل این دوره به شکل حماسی، عرفانی، ملی و دینی نمود پیدا می‌کند. در شعر دفاع مقدس استان کرمان، قالب غزل در شمار محبوب‌ترین قالب‌هاست که تمامی نسل‌ها در آن طبع آزمایی کرده‌اند. غزل در نسل اول از نظر ساخت، سنتی و از نظر بافت نوگراست و واژگان تازه‌ای که زاده فضای انقلاب و جنگ هستند در آن نمود مشخص دارد. لحن حماسی در آن آشکار است و از اسطوره‌ها نیز استفاده می‌کنند. غزل نسل دوم از نظر ساخت با نسل اول چندان تفاوتی ندارد؛ به جز عینی‌تر شدن و فاصله گرفتن از فضای حماسی و شورانگیز. اما غزل نسل سوم، همزمان با پیدایش غزل-حکایت، غزل اپیزودیک و سکانسی در سطح کشور و در فضای عمومی شعر ایران پا به عرصه گذاشت. شاعران نسل سوم با غزل روز به شعر دفاع مقدس پرداختند. نسل سوم، همدرد دغدغه‌ها و احساسات فرزندان شهدا شدند. زبان شعر و قلم شاعران، تسلی خاطر داغ و دغدغه آنان شد که از بسترهای رایج مضمونی در شعر شاعران نسل سوم است. غزل دفاع مقدس کرمان دارای این تقسیمات و فرامودهاست:

الف/۱. غزل - حماسه

انقلاب اسلامی ایران برای بازنمود جهانی خود به زبانی محکم و حماسی نیاز داشت که شروع جنگ تحمیلی، زمینه این زبان حماسی را در شعر فراهم کرد. غزل دفاع مقدس برای نخستین بار از مضامینی استفاده کرد که تا آن روز، سابقه چندان نداشت. توصیف صحنه جنگ، تشویق به جنگ و مقاومت، یادکرد شهدا و در ادامه حسرت و واگویه و اعتراض آن هم در قالبی چون غزل که تا آن زمان برای بیان مفاهیم غنایی از آن استفاده

بررسی برجستگی‌های لفظی و ساختاری شعر دفاع مقدّس استان کرمان/۱۳

می‌شد. با شروع جنگ تحمیلی و حماسه آفرینی‌های رزمندگان در جبهه‌ها، شاعران به

پیوند حماسه و غزل توجه کردند و نوع ادبی غزل - حماسه به وجود آمد.

تا بزد رهبر به گرمی بوسه بر بازویتان خصم دون افتاد از پا زان همه نیرویتان
شعله خشم شما تا ریشه دشمن بسوخت در زمین سینه روئیده گل خوشبویتان
ای سلحشوران که عزم بذل جان را کرده‌اید رنگ خون دارد کنون آب زلال جویتان
(ارسلان «رخشا»، ۱۳۶۹: ۱۷۱)

الف/۲. غزل با وزن کوتاه

غزل‌های دفاع مقدّس در آغاز به دلیل لحن تپنده و حماسی کوتاه و کوبنده بود:

اگر چه نباید تو را گریه کرد دل من تو را بی صدا گریه کرد
ضریحی نداری که بر گرد آن توان با صدای رسا گریه کرد
(کافی، ۱۳۷۹: ۲۴)

الف/۳. غزل با وزن بلند

با پایان جنگ و بروز عواطف جدید و کاهش تب تند حماسه، شاعران به سوی غزل - های بلند و طولانی روی کردند؛ زیرا موضوعات عاطفی، حسرت، واگویه، اعتراض، تنبّه و تذکر که جان‌مایه شعر این دوره است، در غزل‌های با وزن بلند، بهتر خود را نشان می‌دهد.

کجاست عاشق کسی که یک شب به گریه جوش سحر نمیرد

چو شمع در خود فرو نسوزد سحر به چشمان تر نمیرد

به مرگ بستر کفن ندوزم که بر ستیغ آرمیده‌ام من

که هیچ پازن اگر چه زخمی مگر به کوه و کمر نمیرد (کافی، ۱۳۸۷: ۲۵)

مثل درخت اگر چه زمین بود، جایی در این مگاک نمی خواهد

این مرد آسمانی خاک آلود، حتی دو متر خاک نمی خواهد

مانند موج رفت که برگردد، دریا دلش دچار تلاطم شد

طوفان و هر چه داشت به دستش داد، گفت این سفر که ساک نمی خواهد

(احمدی، ۱۳۹۰: ۳۰)

الف/۵. نظم عمودی غزل

از تأثیرات جریان شعر نو بر قالب‌های سنتی به ویژه غزل، پیوستگی معنایی در آن است. در گذشته، استقلال ابیات و تفرد معنا در غزل، مطلوب شاعران و توصیه ادیبان بوده است؛ اما به دنبال جریان روایت‌گری و روایت‌پذیری اشعار، به ویژه شعر آزاد و تحت تأثیر داستان‌نویسی مدرن، این خاصیت به غزل و اشعار کلاسیک نیز راه یافت. پیوستگی عمودی غزل تا جایی پیش رفت که اصطلاحاتی نظیر غزل- حکایت یا غزل داستان را رایج ساخت. خاصیت نظم عمودی غزل یا غزل- داستان در شعر شاعران دفاع مقدس و شاعران کرمان، نمود فراوانی دارد. از دلایل نظم عمودی در شعر دفاع مقدس می‌توان به تأثیر فضای خاطرات بر ذهن شاعر، عینی‌گرایی و ساختار فضای ملموس اشاره کرد. این غزل از علیجان سلیمانی، که به گروه فراغزل (غزل پست مدرن) تعلق دارد، دارای نظم عمودی و پیوستار معنایی است:

همان شایعه مستند بود و بعد	پلاکی که نه یک جسد بود و بعد ...
تو گویی که بر سینه خواهشش	فقط رد آن دست رد بود و بعد ...
غم دوری و دیدن روی یار	و اشکی که در دیده سدّ بود و بعد ...
وجودش سند خورده در راه عشق	دلش سیم سرب سند بود و بعد ...
دو پایش ز تابوت بیرون زده	و طفلی که غمگین قد بود و بعد
ملک دید با جسم پاک شهید	دل کودکی در لحد بود و بعد
و حک بود بر گوشه کوچکش	که بابا مسیرش بلد بود و بعد

(شفیعی، ۱۳۸۷: ۹۲)

ب) مثنوی

مثنوی، قالبی است که در ادبیات انقلاب حیات دوباره‌ای یافت که به عنوان قالبی مستقل قابل بررسی است. «مثنوی در شعر جنگ و ادبیات دفاع مقدس، دوره‌ها و دگرگونی‌هایی به خود دیده است؛ نخستین دوره آن با حضور در شعر جنگ و در دیوان

بررسی برجستگی‌های لفظی و ساختاری شعر دفاع مقدّس استان کرمان/ ۱۵

شاعران نسل اوّل آغاز می‌شود و این حضور تا پایان جنگ ادامه دارد. در دورهٔ پس از جنگ در هیئت منظومه بروز می‌کند و حجم قابل توجهی از شعر دفاع مقدّس به آن اختصاص می‌یابد. نهایتاً به دست نسل سوم شعر انقلاب می‌افتد و تقریباً از حضور فراوان و دل‌انگیز آن کاسته می‌شود.» (کافی، ۱۳۸۹: ۵۹) پس، قالب مثنوی را باید در بین شاعران نسل اوّل و دوم جستجو کرد؛ یعنی اکثر شاعران این نسل به قالب مثنوی توجّه کرده‌اند.

در شعر دفاع مقدّس استان کرمان کسانی چون محمود شاهرخی، احمداسداللهی، غلامرضا کافی، طهماسب بدرود، سید محمود توحیدی (ارفع کرمانی)، ارفع السادات توحیدی، علیجان سلیمانی و... به مثنوی توجّه کردند. مثنوی در میان شاعران دفاع مقدّس بیشتر با موضوعات پایان جنگ و پس از آن پرداخته شده‌است. شایع‌ترین بستر آن، پرداختن به سردارن شهید و روایت‌های خاطره‌گونه است. مضمون‌هایی نظیر دلتنگی و یادمان و یادکرد روزهای جبهه و محشور شدن با شهدا و رزمندگان در قالب مثنوی دیده می‌شود.

کاربست وزن بلند، برخلاف گذشتهٔ قالب مثنوی، از نکته‌های خاص مثنوی این عهد در شعر شاعران کرمان است. پروین رضایی مثنوی بلندی را با وزن بلند دربارهٔ شهدا دارد:

کنار نخل‌های سر به سجده، نماز استقامت شعله می‌زد

و از ایهام دستانی بریده، قنوت استجابت شعله می‌زد

کمی این سوی گام رجعتی سرخ، کمی آن سوی لغزش‌های گندم

کسی پا روی دنیا می‌گذارد، کسی بی‌پا ولی با عشق مردم

(صهباى شهیدان، ۱۳۸۴: ۷۱)

همچنین گاهی مثنوی روایت ساده و بی‌پیرایهٔ جنگ، همراه با بن‌مایه‌هایی از حسرت و دلتنگی و یادکرد گذشته است که در شعر شاعران کرمان این ویژگی نمود دارد.

- علیجان سلیمانی:

یاد آن تابوت‌های روی دوش

یاد اشک مادران داغ‌دار

بیکر با خاک همبستر شده

(صهباى شهیدان، ۱۳۸۴: ۸۰)

یاد جنگ آن فصل ناب جنب‌وجوش

یاد گردان‌های سبز پاسدار

یاد قایق‌های خاکستر شده

شکوه و گلایه از تجمل‌گرایی و اعتراض بر بی‌دردی از دست مایه‌های مضمونی
 مثنوی است که در شعر همان شاعر پیدا می‌شود:

در فراق لاله‌های باغ عشق	در حریم سینه دارم داغ عشق
آن زمان بوی صفا پیچیده بود	عشق راه خویش را فهمیده بود
پس چه شد آن واژه دلدادگی	معنی مردانگی، آزادگی
شهر ما حالا پر از رنگ و ریاست	کمتر از آن موقع با صدق و صفاست
خویش را سرگرم در غم کرده‌ایم	راه و رمز عشق را گم کرده‌ایم

(صهباى شهیدان، ۱۳۸۴: ۷۸)

در میان نسل سومى‌ها، مثنوی چندان مورد اقبال قرار نگرفته است و تعداد اندکی هم که وجود دارد زبان آن ساده و محاوره‌گونه است و از درشتی‌های زبان مثنوی و ردیف‌های بلند و قافیه‌های پرخون در آن خبری نیست. اعتراض، تحذیر و تذکر، حسرت و واگویه و دغدغه‌های تازه جنگ از مضمون‌های مثنوی نسل سومى‌هاست.

ج) رباعی

یکی از قالب‌هایی که از آغاز فارسی دری با شعر همراه بوده، رباعی است که از قالب‌های دلپذیر شعر فارسی است. قالب کوتاه رباعی که از سال ۱۳۵۷ در نزد شاعران انقلاب حرکت خود را آغاز کرده بود، با شروع جنگ تحمیلی ویژگی‌های دیگری را در خود جای داد تا رسالت خود را بهتر انجام دهد؛ یعنی در آغاز از زبان حماسی بهره‌گرفت که زمینه رجز گونگی را در رباعی بوجود آورد. رباعی در نسل اول و نخستین سال‌های انقلاب و دفاع مقدس مضمون‌هایی چون رجز و حماسه، شهید و شهادت، عاشورا و کربلا و مرگ‌اندیشی و تحریض به مقاومت دارد و در نسل سومى‌ها مضمون‌هایی چون یادکرد گذشته با لحن حماسی و یاد شهدا و گاه با مضامین روز در حوزه دفاع مقدس همراه شده است. از نخستین رباعی‌سرایان دفاع مقدس کرمان می‌توان به نام شاعران شهید حسین

بررسی برجستگی‌های لفظی و ساختاری شعر دفاع مقدّس استان کرمان/۱۷

ارسلان (رخشا)، ماشاالله صفاری (بندی سیرجانی) و نیز مهدی بهرامی (راز کرمانی) اشاره کرد که رباعی آنها حماسی، تپنده، مرگ آگاه و شهادت طلب است.

تا همچو علی شیر دلاور داریم اسطوره فتح جنگ خیر داریم
از کینه دشمنان به دل بیمی نیست تا تکیه به ذوالفقار حیدر داریم
(بهرامی، ۱۳۸۱: ۲۴)

رباعی دفاع مقدّس کرمان، با انگاره‌های معنایی شعر انقلاب همراه است از آن جمله:
یک- عرفان گرایی

- فریده ابوسعیدی

ما جامه صد چاک بلا پوشیدیم از جام ولا باده نوشیدیم
با بال و پر شکسته تا عرش خدا معراج دل شکسته را کوشیدیم
(اسدی، ۱۳۸۸: ۱۵)

دو- مضمون کربلا و عاشورا:

- حامد عسکری

هر چند که آرامش ما دریائست یا دشت سکوتمان پر از تنهایست
این را همه قبیله‌ها می‌دانند ما غیرتمان هنوز عاشورائست
(محمّدی، ۱۳۸۸: ۱۲۲)

سه - مضمون عروج شهدا:

- کاظم رستمی

ناگاه زمان از حرکت ماند که تو در گوش فلک فرشته‌ای خواند که تو
عالم همه شد چشم تماشا که خدا «یا ایتهالنفس» به لب راند که تو
(محمّدی، ۱۳۸۸: ۸۸)

چهار - شهدای تفحص

با آنکه دوره پس از جنگ، روزگار افول و فراموشی رباعی است، گهگاه مضمون‌های پس از جنگ نیز در شعر دفاع مقدّس کرمان یافت می‌شود:

۱۸ / نشریه ادبیات پایداری

- کاظم رستمی:

دیروز میان شعله‌ها رقصیدیم در خلوت خون خود رها رقصیدیم
 امروز که استخوانمان آمده است در شهر به روی شانه‌ها رقصیدیم
 (همان)

(د) قصیده

از قالب‌های شعری که چندان در ادبیات معاصر ایران و شعر دفاع مقدس حضور نداشته، قصیده است که با وجود حضور اندک، مقاصد و کارکردهایی دارد. «لحن حماسی، مدح و توصیف، تقلید از گذشتگان و نوجویی‌هایی در زبان و مضمون از ویژگی‌های قصیده به شمار می‌آید.» (کافی، ۱۳۸۹: ۹۲). از چهره‌های پیشگام شعر کرمان در گستره ادبیات انقلاب و دفاع مقدس می‌توان به محمود شاهرخی اشاره کرد که چند اثر را در قالب قصیده پرداخته است. همچنین شهیدان حسین ارسلان و ماشاالله صفاری، فاطمه جهانگرد از دیگر چهره‌هایی هستند که در موضوع انقلاب و شعر دفاع مقدس، قالب قصیده را به خدمت گرفته‌اند. شاهرخی در دفترهای شعری خود پنج قصیده آورده است که طولانی‌ترین آن، پنجاه و پنج بیت دارد و در موضوعات انقلاب، جنگ، سوگ شهادت مطهری، فلسطین سروده شده‌اند:

صاحب‌دلان به عرصه پیکار بنگرید آنجا عیان تجلی دلدار بنگیرد
 یک ره به جبهه از سر عبرت نظر کنید بی‌پرده آشکار رخ یار بنگرید
 کحلی ز توتیای حقیقت کنید وام تا جبهه را مشارق انوار بنگرید

(نوربخش، ۱۳۸۰: ۲۰۱)

قصیده در میان نسل اولی‌های دفاع مقدس، از لحن و روایت حماسی، مدح و توصیف برخوردار است:

بار دیگر وطنم دستخوش طوفان شد چشم تنگی ز عرب جانب خوزستان شد
 خصم دیرینه به یک حمله از اقلیم عراق بی‌امان باعث ویرانی آبادان شد

بررسی برجستگی‌های لفظی و ساختاری شعر دفاع مقدّس استان کرمان/ ۱۹

آه از این جنگ که خون کرد دل ایران را چه بسا سر که در این مهلکه بی سامان شد

(جهانگرد، ۱۳۸۷: ۶۴)

اما قصیده در میان شاعران نسل دوم دفاع مقدّس با فاصله گرفتن از فضای جنگ و فرونشستن از تب تند حماسه، اندک تغییری پیدا کرد. از نظر زبان و ساخت و بافت کلام، استحکام خود را حفظ کرد و از نظر مضمون و درون‌مایه، گرایش توصیفی و یا اعتراض و تنبیه و تذکر پیدا کرد.

وصف خوزستان، در قصیده غلامرضا کافی از آن گونه است:

مرحبا کلکی که وصف خاک خوزستان کند	حبّذا طبعی که جولان در چنین میدان کند
بوی گل در خاطرش مضمون پریشان می کند	هر که یادی از نسیم این شهیدستان کند
کاروان توتیا دامن کشان خاک اوست	طبع باید رقعهای از این مرگ‌دان کند

(عطش عشق، ۱۳۷۹: ۷۶)

۵) قالب‌های نو

با پیروزی انقلاب اسلامی، قالب‌های نو توفیق زیادی پیدا نکردند و این به دلیل نیاز انقلاب و جنگ به زبانی حماسی و تپنده بود و در مقابل قالب‌های کهن به دلیل نوگرایی-های بوجود آمده در آنها اقبال زیاد یافتند. اما با فاصله گرفتن از جنگ و فرونشستن از تب تند حماسه به ویژه در دوره سوم شعر دفاع مقدّس، شعر نو در قالب‌های نیمایی، سپید و آزاد حضوری فعّال دارد و به دلیل روی آوردن شاعران نسل سوم به آن در خور توجه است. بیان این نکته لازم به نظر می‌رسد که اقبال شعر نو در دوره سوم شعر دفاع مقدّس، دلیل بر عدم حضور این قالب در سالهای آغازین جنگ نیست؛ زیرا چهره شاخصی چون طاهره صفارزاده، به عنوان نماینده‌ای از شعر کرمان، همان سال‌های پیروزی انقلاب نمونه‌های موفقی در زمینه انقلاب و جنگ پرداخته است. در مجموعه «بیعت با بیداری» وی شعر شهادت فراوانی دارد:

و آنکه بیدار است بر می‌خیزد/ و به عاشورا می‌پیوندد/ رها می‌شود / هم در زمین / هم در زمان

(صفارزاده، ۱۳۶۰: ۴۸)

از درون‌مایه‌های شعر نو دفاع مقدّس به موضوعاتی همچون؛ «روایت جنگ، شهید و

۲۰ / نشریه ادبیات پایداری

شهادت، جانبازان و آزادگان، وطن، ستم ستیزی، تکریم آزادگان، تطبیق تاریخ و تکریم انقلابیان تاریخ می‌توان اشاره کرد.» (کافی، ۱۳۸۹: ۱۲). شعر کرمان نیز با جریان نوگرایی همراه شد و از چهره‌های شاخص شعر نو دفاع مقدس کرمان می‌توان به طاهره صفارزاده اشاره کرد و از شاعران نسل دوم و سوم، کسانی چون مهدی قهاری، شهین خسروی نژاد، سیدعلی میر افضل، منوچهر افضل، مرتضی دلاوری پاریزی، مهدی صمدانی، مجتبی احمدی را می‌توان نام برد. شعر نو در آغاز جنگ بیشتر وظیفه روایتگری را برعهده گرفت و به دلیل زبان و بیان‌ها در دوره واقع‌گرایی مؤثر واقع شد. شعر صفارزاده نمونه تمام‌عیار شعر نو در آغاز جنگ است:

در سرزمین آسمانی جبهه / کسی به خویش نمی‌اندیشید / کسی به مرگ و مال نمی‌اندیشید / و
ارتفاع صخره و کوه / به زیر پای دلیرانی است / کز ارتفاع عقیده / از ارتفاع ایمان می-
جنگند (وحیدی، ۱۳۷۷: ۷۲)

«اما حضور شکوهمند شعر سپید در میان نسل سومی‌ها به دلیل دور شدن از فضای حماسی اتفاق می‌افتد.» (کافی، ۱۳۸۹: ۱۰۱) که شعر کرمان نیز از این جریان بی‌نصیب نمانده است. انگاره‌های معنایی در شعر آزاد کرمان بدین قرار است:

یک - یاد کرد شهدا

- نسیم خسروی مقدم:

اینجاست / که کوچه کوچه / بوی تو را می‌دهد / بوی سنگر / بوی گلوله / بوی مشک / خیمه /
مرد / نیلگون بساز حمله‌ام را / مادر از پشت پنج نفس مقدس / دعا می‌کند: / «خدا به همراهت /
حسین کوچک» (صهبای شهیدان، ۱۳۸۴: ۶۶)

دو - توصیف شکوهمند جانبازان

هنوز دنیا / به زشتی / چکمه‌های مردانه است / هنوز ادامه دیوارها / ادامه ردیف مردان غیرتی

/ ردیف لوله‌های توپ ۱۰۶ / ردیف درختانی نصفه ... (جوشایی، ۱۳۸۸: ۱۹۴)

بررسی برجستگی‌های لفظی و ساختاری شعر دفاع مقدّس استان کرمان/ ۲۱

سه - موضوع شهدای تفحص

سید هادی جعفری:

آن شب / آسمان خاکسترش را به روی خاک می‌تکاند / و خاکریزها تنها عشق را می‌دیدند /
 که دیوانه دنبال پلاک گمشده‌ای می‌گشت (صهباى شهیدان، ۱۳۸۴: ۵۸)
 از نکته‌های قابل یادکرد در این باره، زبان‌گرایی و زبان‌ورزی برخی شاعران، مخصوصاً در
 میان نسل سومى‌ها، در قالب‌های آزاد شعر دفاع مقدّس است:
 نه اختلاف طبقاتی بود / نه اختلاف درجاتی / نه تبعیض نژادی / نه امتیاز / همه و همه / فقط
 رزمنده بودند / و فقط عاشق بودند / و عشق درجه نبود / و عشق، درجه بود. (فاضلی
 شهربابکی، ۱۳۸۸: ۷۸)

همچنین گهگاه گلایه، اعتراض و رجعت به حال و هوای آغازین در زبان سپیدسرایان
 اتفاق افتاده است. این مضامین نیز به شاعران نسل سوم اختصاص دارد. در شعر دفاع مقدّس
 کرمان محمد مجتبی احمدی نماینده این تفکر است:

شهر مرده است ... / کو مسیح واره ای / تا دمد به جسم مرده روح را؟ / ای شکوه رفتنت به یاد
 ماندنی! / شهرمان شکست بی تو توبه نصوح را / ای دریغ! / گرچه پایگاه و مرکز فلان / مثل کوچه
 شد تبرکاً به نام تو / کو نشانی از مرام تو؟ / / رفته بی تو آبروی کوچه‌مان / کاش روی کوچه‌مان
 نبود نام تو! / لا اقل به احترام تو ... (اسدی، ۱۳۸۸: ۱۷).

۳- نتیجه‌گیری

تأمل در اشعار پدید آمده با موضوع دفاع مقدّس و شناخت برجستگی‌های لفظی،
 ساختاری و محتوایی این اشعار، خدمت ادبیات دفاع مقدّس به ادبیات فارسی را آشکار می-
 کند. سهم شاعران استان کرمان در تشخص زبان شعر جنگ و دفاع مقدّس قابل توجه بوده
 است و سه نسل شاعران دفاع مقدّس در پروانیدن این زبان مشارکت داشته‌اند. شاعران نسل
 اول، الفاظ و اصطلاحات جنگ و عناصر مذهبی و انقلابی را در اشعار خود به کار برده‌اند
 و شاعران نسل دوم، نام مکان‌ها و زمان‌های جنگ، اسم اشخاص و نسل سوم عواطف پس
 از جنگ و واژگان مربوط به این دوره را در شعر خود جای داده‌اند. بررسی وضعیّت قالب-
 های شعر دفاع مقدّس استان کرمان نشان می‌دهد که غزل استان کرمان در نسل اول از نظر

بافت نوگراست و لحن حماسی در آن آشکار است و غزل نسل دوم از نظر ساخت با نسل اول تفاوت چندانی ندارد، به جز عینی شدن و فاصله گرفتن از فضای حماسی. از بسترهای مضمونی غزل نسل دوم حسرت، واگویه، اعتراض، تنبیه و تذکر است. غزل نسل سوم هم از جنبه صورت و هم مضمون و محتوا متفاوت جلوه کرد و بروز عواطف بعد از جنگ بسترهای مضمونی این نوع غزل است. قالب مثنوی را در بین شاعران نسل اول و دوم استان کرمان می توان جستجو کرد که بیشتر با موضوعات پایان جنگ و پس از آن پرداخته شده است. مثنوی در میان شاعران نسل سوم چندان مورد اقبال قرار نگرفته و تعداد اندکی هم که وجود دارد، زبان آن ساده و محاوره گونه است.

رباعی دفاع مقدس استان کرمان در میان نسل های اول و سوم به چشم می خورد که در نسل اولی ها مضمون هایی چون؛ رجز و حماسه، شهید و شهادت، عاشورا و کربلا، مرگ- اندیشی و تحریض به مقاومت دارد و در میان نسل سومی ها مضمون هایی چون یادکرد گذشته، حسرت و واگویه و اعتراض به چشم می خورد. قالب قصیده در گستره ادبیات دفاع مقدس چندان حضور ندارد. از چهره های پیشگام استان کرمان و کشور در قصیده- سرایی محمود شاهرخی است. قصیده در نسل اولی های دفاع مقدس استان کرمان از لحن و روایت حماسی، مدح و توصیف برخوردار است و در میان شاعران نسل دوم از نظر ساخت و بافت کلام، استحکام خود را حفظ کرد و از نظر مضمون و درون مایه گرایش توصیفی و یا اعتراض و تنبیه و تذکر را در خود جای داده است و در نسل سومی های دفاع مقدس این قالب نمود ندارد. شعر نو در قالب های نیمایی، سپید و آزاد در دوره سوم شعر دفاع مقدس حضور فعال دارد و این به دلیل فاصله گرفتن از جنگ و فرو نشستن از تب تند حماسه است. شعر نو در سال های آغازین جنگ با حضور چهره شاخص شعر دفاع مقدس کرمان- طاهره صفارزاده- نمونه های موفقی در زمینه انقلاب و جنگ به خود دیده است و شاعران نسل دوم دفاع مقدس استان کرمان توجه کمتری به قالب های آزاد نشان داده اند.

باری شعر دفاع مقدس استان کرمان، همسو با جریان عمومی شعر کشور پیش رفته-

بررسی برجستگی‌های لفظی و ساختاری شعر دفاع مقدّس استان کرمان/۲۳

است و از جریان‌های آن بی‌نصیب نمانده‌است.

فهرست منابع

۱. احمدی، مجتبی. (۱۳۹۰). **درختان بی‌تاب**. تهران: سوره مهر.
۲. ارسلان، حسین (رخشا). (۱۳۶۹). **دو شاعر دو شهید**. به همراه حسین صفاری (بندی سیرجانی). کرمان: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳. اسدی، غلامحسین. (۱۳۸۸). **ثانیه صفر** (گزیده شعر دفاع مقدّس کرمان ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶). کرمان: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدّس.
۴. _____، _____. (۱۳۹۱). **نوای دل** (مجموعه آثار منتخب جشنواره استانی شعر بسیج استان کرمان). اصفهان: آصف.
۵. باقری، ساعد. (۱۳۷۲). **شعر امروز**. به همراه محمدرضا محمدی نیکو. تهران: الهدی.
۶. بهرامی، مهدی. (۱۳۸۱). **همیشه با عشق** (مجموعه غزل). کرمان: کرمان‌شناسی.
۷. جوشایی، محمد علی. (۱۳۸۸). **مرثیه‌های ممنوع**. تهران: تکا.
۸. جهانگرد، فاطمه. (۱۳۸۷). **جان جهان**. به کوشش منوچهر شجاعی. کرمان: کرمان‌شناسی.
۹. سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۰). نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدّس. تهران: پالیزان.
۱۰. (۱۳۸۹). **ادبیات دفاع مقدّس**. تهران: پژوهشکده دفاع مقدّس.
۱۱. شاهرخی، محمود. (۱۳۷۶). **تجلی عشق**. تهران: سرداران شهید.
۱۲. شفیعی، سید ضیاء الدین. (۱۳۸۷). **امواج ارغوانی** (برگزیده آثار هفدهمین کنگره سراسری شعر دفاع مقدّس). تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدّس.
۱۳. صفارزاده، طاهره. (۱۳۶۰). **بیعت با بیداری**. تهران: واحد انتشارات حوزه اندیشه و هنر اسلام.
۱۴. **صهباي شهيدان** (مجموعه اشعار دفاع مقدّس استان کرمان). (۱۳۸۴). به کوشش بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدّس. تهران: عابد.
۱۵. **عطش عشق** (۱۳۷۹). کمیته تالیف و تدوین. خوزستان: کنگره سرداران و ۱۶ هزار شهید کربلای خوزستان.
۱۶. فاضلی شهر بابکی، افسر. (۱۳۸۸). **فقط برای کسانی که عشق را بلدند**. تهران: فرهنگ-گستر.

۲۴ / نشریه ادبیات پایداری

۱۷. کافی، غلامرضا. (۱۳۷۸). **تیغ و ترانه**. به همراه ایوب پرند آور. شیراز: سرداران شهید

فارس.

۱۸. (۱۳۷۹). **سردار هور**. اهواز: سرداران شهید خوزستان.

۱۹. (۱۳۸۷). **همین زنجیره تا صبح**. تهران: تکا.

۲۰. (۱۳۸۹). شناخت ادبیات انقلاب اسلامی. تهران: پژوهشکده دفاع مقدس.

۲۱. (۱۳۸۹). **ترکش کلمات** (سهم فارس در شعر در دفاع مقدس). شیراز: زرینه.

۲۲. گلمرادی، شیرینعلی. (۱۳۸۰). **شهادت و پرواز**. تهران: شاهد.

۲۳. محمدی، عباس. (۱۳۸۸). **با نام تو مجنون** (گزیده رباعی شاعران دفاع مقدس). قم: ابتکار

دانش.

۲۴. نوربخش، مرتضی. (۱۳۸۰). **صبحی زدگان** (قصیده‌های دهه اول و دوم انقلاب اسلامی).

تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۲۵. وحیدی، سیمین دخت. (۱۳۷۷). **از نگاه آئینه‌ها** (مجموعه شعر دفاع مقدس «شعر بانوان»).

تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.